

پیش‌بینی گرایش به خشونت نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی با نقش واسطه‌ای کیفیت روابط والد-فرزند

Predicting adolescents tendency to violence based on family conflicts with the mediating role of quality of parent-child relationships

Somayyeh Ghadimi *

Ph.D. Student of Counseling, Department of Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

s.ghadimi7@gmail.com

Ali Delavar

Professor, Department of Educational Measurement, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Esfandiar Azad Marzabadi

Associate Professor, Behavioral Sciences Research Center, Life Style Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Mehdi Zare Bahramabadi

Associate Professor, Research Institute for Humanities Research and Development, Samt Organization, Tehran, Iran.

سمیهه قدیمی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی دلاور

استاد، گروه سنجش و اندازه گیری، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

اسفندیار آزاد مرزاپادی

دانشیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، پژوهشکده سبک زندگی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران.

مهندی زارع بهرام آبادی

دانشیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت، تهران، ایران.

Abstract

This study aimed to predict adolescents' tendency to violence based on family conflicts with the mediating role of the quality of parent-child relationships. The present study was a descriptive-correlation type of path analysis. The statistical population of the research was made up of all the boys and girls studying in the second level of secondary school in Ardabil in the academic year of 2022-2023, and a sample of 312 people was selected by cluster sampling method. The tools of this research included the Iranian adolescent's risk-taking scale (IARS, Zadeh Mohammadi et al., 2007), the parent-adolescent conflict questionnaire (PACQ, Younesi et al., 2011), and the parent-child relationship scale (PCRS, Moreland and Shovel, 1983). The data were analyzed using the path analysis method. The results of the path analysis indicated the appropriate fit of the model. The findings showed that there is a positive relationship between family conflicts and adolescents' tendency to violence, and there is a negative and significant relationship between the quality of parent-child relationships with violent tendencies and family conflicts ($p<0.01$). quality of parent-child relationships played a mediating role between family conflicts and teenagers' tendency to violence ($p<0.001$). It can be concluded that family conflicts and the quality of parent-child relationships play a key role in adolescents' tendency to violence, and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other in programs to reduce adolescents' tendency to violence.

Keywords: Family Conflicts, Quality of Parent-Child Relationships, Tendency to Violence, Adolescents.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به خشونت نوجوانان بر اساس تعارض‌های خانوادگی با نقش واسطه‌ای کیفیت روابط والد-فرزند انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه نوجوانان پسر و دختر مشغول به تحصیل در مقطع دوم متوسطه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری خوش‌های، نمونه‌ای به تعداد ۳۱۲ نفر انتخاب شد. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS) زاده محمدی و همکاران، (۱۳۸۷)، پرسشنامه تعارض والدین-نوجوانان (PACQ) یونسی و همکاران، (۱۳۹۰) و مقیاس رابطه والد-فرزند (PCRS) مورلند و شوبل، (۱۹۸۳) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که بین تعارض‌های خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان رابطه مثبت و بین کیفیت روابط والد-فرزند با گرایش به خشونت و تعارض‌های خانوادگی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p<0.01$). کیفیت روابط والد-فرزند نقش واسطه بین تعارضات خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان داشت ($p<0.001$). از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تعارض‌های خانوادگی و کیفیت روابط والد-فرزند نقش کلیدی در گرایش به خشونت نوجوانان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های کاهش گرایش به خشونت نوجوان ضروری است.

واژه‌های کلیدی: تعارض‌های خانوادگی، کیفیت روابط والد-فرزند، گرایش به خشونت، نوجوانان.

مقدمه

نوجوانی دوره گذار از کودکی به بزرگسالی است که فرد دستخوش تغییرات مختلفی می‌شود (استوتی و رپس^۱، ۲۰۲۰). در این بازه سنی بدن دچار تغییرات فیزیکی می‌شود، به صورتی که به سرعت رشد می‌کند و به شکل یک بدن بالغ درمی‌آید (وانگ^۲، ۲۰۱۸). در این دوره سنی نوجوانان شروع به جدایی عاطفی از والدین خود می‌کنند تا نقش اجتماعی جدید خود را در بزرگسالی ایفا نمایند (کیسی^۳، ۲۰۱۸). یکی از مسائل مهم سلامت عمومی که بر افراد، خانواده‌ها و جوامع تأثیر منفی می‌گذارد، خشونت^۴ نوجوانان است (سازمان بهداشت جهانی^۵، ۲۰۲۰). خشونت را می‌توان به عنوان یک رفتار با گرایش رفتاری تعریف کرد که هدف آن آسیب رساندن به شخص دیگری، هم از نظر فیزیکی، هم از نظر کلامی و روانی است (پارک^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). خشونت یکی از علل اصلی مرگ‌ومیر در میان نوجوانان است (مرکز کنترل بیماری^۷، ۲۰۲۰) و رفتار خشونت‌آمیز نشان‌دهنده مشکلات اجتماعی شدید است که می‌تواند آسیب قابل توجهی به سلامت جسمی و روانی نوجوانان وارد کند (یون^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). قرار گرفتن در معرض خشونت به طور معنی‌داری با پیامدهای مضر مانند پرخاشگری، بزهکاری و مصرف مواد همراه است (گایاس^۹ و همکاران، ۲۰۱۹).

خشونت در نوجوانان می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که یکی از آن‌ها تعارض‌های خانوادگی است و تعارض والدین می‌تواند علتی بر کاهش بهزیستی نوجوانان باشد (رضابورمیرصالح و همکاران، ۱۴۰۱) و دور از ذهن نیست که تعارضات والدین، مشکلات روان‌شناختی بیشتری را برای فرزندان به همراه فرزندان به باشد (لیو و وازنونی^{۱۰}، ۲۰۲۴). تعارضات خانوادگی^{۱۱} به صورت اختلافات بین همسران ظاهر می‌شود که منعکس کننده مشغله‌های مختلف آن‌هاست. درمانگران تعارضات زناشویی را بحث بر سر کسب قدرت و منابع و حذف امتیازات تحت کنترل طرف دیگر می‌دانند (پروایی و همکاران، ۱۴۰۲). تعارض همیشه منفی نیست، اما روشی است که زوج‌ها برای مدیریت رابطه معیوب خود استفاده می‌کنند که می‌تواند به رابطه آسیب برساند. تعارض امنیت کل سیستم خانواده را به خطر می‌اندازد. همچنین، انرژی مورد استفاده برای بازیابی اینمی‌عاطفی و منابع فیزیکی لازم برای ادامه نیازهای تحول‌آفرین را محدود می‌کند (دریانی و پارساکیا، ۲۰۲۲). والدینی که اغلب با همسر خود دچار تعارض می‌شوند، احتمالاً متعاقباً با فرزندان خود تعارض را تجربه می‌کنند (شریل^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۷). در مقابل، رابطه خوب بین والدین به کاهش تعارضات بین والدین و فرزندان کمک می‌کند (لی^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۰). والدین در خانواده‌هایی که فشار اقتصادی بالای دارند، با احتمال بیشتری تعارض را تجربه کنند، درنتیجه احتمال رفتار پرخاشگرانه کودکان افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش خوانینزاده و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که نوجوانان دارای خانواده‌های متعارض، در معرض خطر و مشکلات روان‌شناختی و ارتباطی می‌باشند. یافته دلویچیو^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۳)، وانگ و همکاران (۲۰۲۲) نشان‌دهنده ارتباط بین خشونت کودکان و تعارض والدین بود. اویسی^{۱۵} و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که تعارض والدین، پرخاشگری فیزیکی، خشم و علائم اضطراب و افسردگی را پیش‌بینی می‌کند.

اگر چه به نظر می‌رسد تعارض‌های خانوادگی به میزان قابل توجهی در خشونت نوجوانان نقش دارد، اما مسیرهای دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند نقش مهمی را در خشونت نوجوانان ایفا کنند و به نوعی نقش میانجی داشته باشند. طبق پژوهش‌ها یکی از این متغیرها که بیشترین عامل تأثیرگذار بر بروز مشکلات رفتاری فرزندان است، کیفیت رفتار والدین با فرزند است (هلاندر^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۴). رابطه با والدین از مؤلفه‌های کلیدی رشد نوجوانی است و پژوهشگران از فرضیه‌های سنتی مبنی بر اینکه نوجوانی دوره سنی است که در آن تعامل و دلبستگی بین همسالان بالاتر از والدین است، فاصله گرفتند و این امر بیانگر نقش والدین بهخصوص شیوه ارتباط و تعامل آن‌ها با

1. Astuti & Rps

2. Wang

3. Casey

4. violence

5 World Health Organization

6 Park

7 Centers for Disease Control

8 Yoon

9 Gaias

10 Liu & Vazsonyi

11 Family conflict

12 Sherrill

13 Li

14 Del Vecchio

15 Avci

16 Katz

نوجوانان است (لیم^۱، ۲۰۲۰). منظور از کیفیت رابطه والد-فرزند^۲ این است که والدین انتظارات، احساسات و نگرش‌های خویش را نسبت به فرزند مطرح می‌نمایند و به صورت متقابل احساسات و انتظارات فرزند و نیازهای او را درک نموده و توجه کنند (شنیعی کندجانی و همکاران، ۱۳۹۹). فقدان محبت و ارتباط والدین و سطح پایین حمایت و دلیستگی والدین، باعث ناراحتی روانی اجتماعی شده که منجر به پرخاشگری فیزیکی و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود (لخدیر^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). درواقع، می‌توان جهت کنترل و پیش‌گیری از خشونت فرزندان و توانمندسازی والدینشان در تعامل مؤثر با فرزندان، برنامه آموزشی تعامل مثبت والد-فرزند را به والدین این کودکان آموزش داد (فرج‌بخش و همکاران، ۱۴۰۰). وانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۲) بیان داشتند که بین تعارض بین والدین و تعارض والد-کودک با خشونت نوجوانان ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین، لخدیر و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند نوجوانان پسری که پیوند ضعیفی با والدین خود دارند، دو برابر شیوع خشونت فیزیکی نسبت به نوجوانان دختر با پیوند قوی والدین-کودک داشتند. همچنین، پیوند والدین با فرزندان تأثیر مستقیمی بر سطوح خشونت در نوجوانی دارد، هر چه رابطه والد-فرزندی صمیمانه‌تر و پرورش‌دهنده‌تر باشد، احتمال کمتری دارد که نوجوان مرتکب رفتارهای خشونت آمیز شود (ایندومتی و آشوینی^۵، ۲۰۱۷).

بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت که گرایش به خشونت در نوجوانان می‌تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد و همچنین در پژوهش‌های پیشین به نقش برخی از این عوامل اشاره شده است اما در مورد رابطه و نقش این عوامل در گرایش به خشونت نوجوانان مطالعه‌ی جامعی انجام نشده است؛ بنابراین لزوم بررسی هر چه بیشتر این عوامل برای شناسایی و ارتقای بهتر و مؤثرتر در کاهش گرایش به خشونت نوجوانان احساس شد و از سویی دیگر هر کدام از پژوهش‌های پیشین به رابطه جدایانه این عوامل با گرایش به خشونت نوجوانان پرداخته‌اند؛ بنابراین با توجه به این خلاً پژوهشی، پژوهش حاضر در تلاش است تا با بررسی ارتباط و نقش این عوامل در گرایش به خشونت نوجوانان، این خلاً را پوشش دهد. با توجه به اهمیت بررسی گرایش به خشونت نوجوانان، توجه مطالعه حاضر به عوامل پیش‌بین و متغیرهای مؤثر در گرایش به خشونت معطوف شده است؛ بنابراین این پژوهش با هدف پیش‌بینی گرایش به خشونت نوجوانان بر اساس تعارضات خانوادگی با میانجی‌گری کیفیت روابط والد-فرزند انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه‌ی نوجوانان پسر و دختر مشغول به تحصیل در مقطع دوم متوسطه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل دادند. طبق نظر محققان حداقل حجم نمونه برای مطالعات مدل یابی معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر است (هومن، ۱۳۹۵)؛ بنابراین حجم نمونه ۲۰۰ نفر نتایج قابل قبولی را به همراه دارد. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری خوش‌های استفاده گردید بدین صورت که از بین نواحی مختلف آموزشی شهر اردبیل به تصادف یک ناحیه را انتخاب نموده و سپس از بین مدارس مقطع دوم متوسطه دخترانه و پسرانه این ناحیه به تصادف ۶ مدرسه سپس از هر مدرسه ۳ کلاس و از هر کلاس ۱۸ نفر در مجموع ۳۲۴ نفر انتخاب گردید. اطلاعات لازم به دانش آموزان شرکت‌کننده در پژوهش در مورد اهداف پژوهش و اطمینان خاطر از محترمانه بودن تمامی اطلاعات و اختیار کامل به منظور خارج شدن از روند پژوهش در هر مرحله ارائه گردید. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از حضور در دوره متوسطه دوم، سن ۱۶ تا ۱۹ سال، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش و نداشتن بیماری روان‌پزشکی حاد و مراجعه نکردن به روان‌شناس و روان‌پزشک در یک سال گذشته و ملاک‌های خروج ناقص بودن پرسشنامه و عدم تمایل به همکاری در پژوهش بود. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محترمانه بود. در نهایت پس از بررسی پرسشنامه‌های جمع آوری شده اطلاعات ۳۱۲ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر معادلات ساختاری و از طریق نرم‌افزارهای Spss و Lisrel نسخه ۲۷ و ۸.۸ انجام شد.

ابزار سنجش

مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی^۱ (IARS): برای اندازه‌گیری گرایش به خشونت در نوجوانان از مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی زاده محمدی و همکاران که در سال ۱۳۸۷ تدوین شده است، استفاده گردید. این مقیاس دارای ۳۸ سؤال است. پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این سوالات در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالف با ۱ نمره تا کاملاً موافق تا ۵ نمره مطرح می‌کنند. کسب نمره بالا در این ابزار به معنای خطرپذیری بالاتر است. تحلیل عاملی اکتشافی با مؤلفه‌های اصلی نشان داد که این مقیاس دارای ۷ عامل است و ۶۸/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند. سازنده مقیاس میزان آلفای کرونباخ کل ابزار را ۰/۹۳ محسابه کرده است (زاده محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۱۳۹۰). در پژوهش رحمنی، عارفی، افساری نیا و امیری (۱۳۹۷) مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۰ به دست آمده است. ضریب پایایی برای کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه سنجش تعارض والدین-نوجوانان^۲ (PACQ): برای اندازه‌گیری تعارضات نوجوانان در خانواده با والدین از پرسشنامه سنجش تعارض والد-فرزند که توسط اسدی یونسی و همکاران در سال ۱۳۹۰ با هدف سنجش میزان تعارض‌های بین والدین و نوجوانان ساخته شد؛ استفاده گردید. فرم والدین این پرسشنامه دارای ۸۹ سؤال و فرم نوجوان دارای ۹۲ سؤال است. نمره‌گذاری پرسش‌ها بر اساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود که طی آن برای گزینه تقریباً هرگز، ۱، برای گزینه به ندرت، ۲، برای گزینه گاهی، ۳، برای گزینه اغلب، ۴ و برای گزینه همیشه ۵ در نظر گرفته می‌شود. اسدی یونسی و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای ۰/۹۶ را برای همسانی درونی بخش فراوانی تعارض و ضریب آلفای ۰/۹۸ برای بخش شدت تعارض را به دست آورده‌اند. در پژوهش خدایی و دیگران (۱۳۹۴) ضرایب همسانی درونی ابعاد فراوانی و شدت برای نسخه والد به ترتیب برابر ۰/۸۹ و ۰/۸۷ و برای گروه نوجوان به ترتیب برابر ۰/۹۱ و ۰/۸۹ به دست آمد. ساده‌ترین و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود ضرایب همسانی درونی نمره کلی فراوانی تعارض والد نوجوان و شدت تعارض والد نوجوان به ترتیب برابر ۰/۹۷ و ۰/۹۵ گزارش کردند. برای بررسی روابی همزمان و همگرا این پرسشنامه، از پرسشنامه رفتار تعارض (رباین و فاستر، ۱۹۸۹) استفاده شد. نتایج نشان داد بجز همبستگی عامل چهارده در شدت تعارض با نمره پرسشنامه رفتار تعارض، در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده که نشان دهنده روابی قابل قبول این پرسشنامه است (اسدی یونسی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ برای فراوانی تعارض و شدت تعارض به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس رابطه والد-فرزند^۳ (PCRS): برای اندازه‌گیری متغیر روابط بین والدین با فرزندان از مقیاس ارزیابی والدین-فرزند فاین^۴ و همکاران که در سال ۱۹۸۳ تدوین شده است، استفاده خواهد شد. این ابزار دارای ۲۴ سؤال است که ۳ تاکتیک حل تعارض یعنی استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری جسمانی را می‌سنجد. نمره‌گذاری ابزار در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱=شدید) تا (۷=شدید) انجام می‌شود. سوالات ۹، ۱۳ و ۱۴ معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. کسب نمره بالا در این ابزار به معنای روابط مناسب‌تر بین والد و فرزند خواهد بود. این مقیاس توسط سازنده‌گان آن اعتبار پایی و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۴ تا ۰/۹۶ برای زیرمقیاس‌های مربوط به پدر و ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای زیرمقیاس‌های مربوط به مادر و نیز ضریب آلفای کرونباخ کلی ۰/۹۶ و روابی محتوای کل پرسشنامه ۰/۷۱ گزارش شده است. در مطالعه محمدمعینی و همکاران (۱۳۹۹) ضریب آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۴ و زیرمقیاس‌های آن در دامنه‌ای بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ گزارش شده است. همچنین روابی محتوای آن ۰/۷۵ بود (زابلی و همکاران، ۱۳۸۴). ضریب پایایی برای کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۹ به دست آمد.

یافته‌ها

تعداد ۳۱۲ نفر دانش آموز پسر و دختر با میانگین سنی ۱۷/۰۵ و انحراف معیار ۰/۸۲ در بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال در این مطالعه شرکت داشتند. از میان ۳۱۲ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۱/۴ درصد (۹۸ نفر) ۱۶ ساله، ۳۲/۱ درصد (۱۰۰ نفر) ۱۷ ساله و ۳۶/۵ درصد (۱۱۴ نفر) ۱۸ ساله، ۵۳/۸ درصد (۱۶۸ نفر) پسر و ۴۶/۲ درصد (۱۴۴ نفر) دختر، ۳۲/۴ درصد (۱۰۱ نفر) رشته انسانی، ۴۳/۹ درصد (۱۳۷ نفر) رشته تجربی و ۲۳/۷ درصد (۷۴ نفر) رشته ریاضی بودند.

¹ Iranian adolescents risk-taking scale

² Parent-Adolescent Conflict Questionnaire

³ Parent-child relationship scale

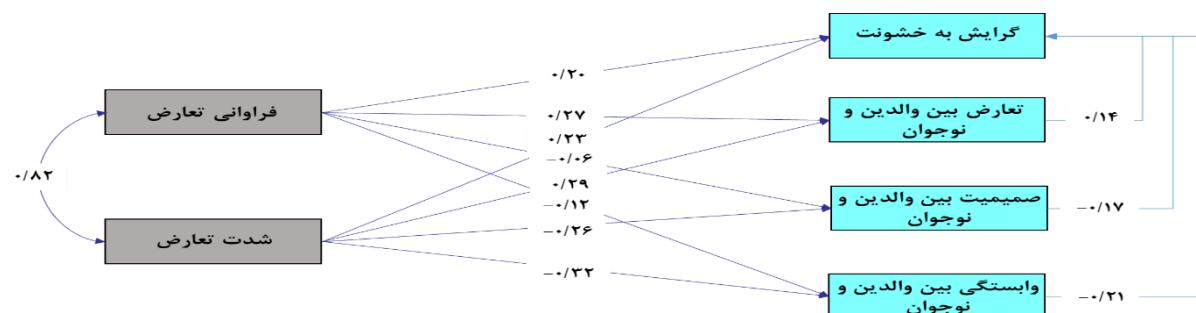
⁴ Fine

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۱	- ۱- گرایش به خشونت
				۱	.۰/۵۹**	- ۲- فراوانی تعارض
			۱	.۰/۸۲**	.۰/۶۰**	- ۳- شدت تعارض
		۱	.۰/۲۶**	.۰/۲۳**	.۰/۴۱**	- ۴- تعارض بین والدین و نوجوان
	۱	.۰/۳۵**	.۰/۲۹**	.۰/۲۸**	.۰/۴۴**	- ۵- صمیمیت بین والدین و نوجوان
۱/۰۱	۲۲/۶۱	۵۴/۰۵	۲۰۰/۶۲	۲۰۶/۵۰	۱۰۵/۰۵	- ۶- وابستگی بین والدین و نوجوان
۳/۳۹	۵/۰۸	۸/۰۲	۵۳/۷۶	۵۳/۵	۲۳/۲۸	میانگین
۰/۵۵	۰/۸۶	-۰/۵۱	.۰/۷۴	.۰/۷۲	.۰/۰۵	انحراف معیار
۱/۱۵	۰/۷۶	۰/۱۹	۰/۶۴	۰/۳۳	-۰/۰۸۴	کجی
						کشیدگی

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۱، مقدار چولگی مشاهده شده برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، -۲) قرار دارد؛ یعنی از لحاظ کجی متغیرهای تعارضات خانوادگی، گرایش به خشونت و روابط والد-فرزنده نرمال بوده و توزیع آن متناظر است. همچنین مقدار کشیدگی آن‌ها نیز در بازه (۲، -۲) قرار دارد؛ این نشان می‌دهد توزیع متغیرهای پژوهش از کشیدگی نرمال برخوردار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد بین گرایش به خشونت با فراوانی تعارض ($P < 0.01$; $t = 0.59$)، شدت فراوانی ($P < 0.01$; $t = 0.82$) و تعارض بین والدین و نوجوان ($P < 0.01$; $t = 0.41$) در سطح ۹۹ درصد ارتباط مثبت و معنی‌دار و با صمیمیت بین والدین و نوجوان ($P < 0.01$; $t = -0.44$) و وابستگی بین والدین و نوجوان ($P < 0.01$; $t = -0.51$) در سطح ۹۹ درصد ارتباط منفی و معنی‌دار برقرار است.

در پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل عاملی به بررسی بار عاملی بین متغیرهای آشکار با متغیرهای مکون پرداخته شد. نتایج تحلیل عاملی متغیرهای تعارضات خانوادگی، گرایش به خشونت و روابط والد-فرزنده نشان داد که تمام گویه‌های مرتبط با متغیرهای تعارضات خانوادگی، گرایش به خشونت و روابط والد-فرزنده، ضرایب همبستگی معناداری با متغیر مکون دارا می‌باشند؛ زیرا میزان P -Value کوچکتر از 0.05 بود. از سوی دیگر مقدار بارهای عاملی تمام گویه‌ها بیشتر از 0.3 بود. در ادامه جهت بررسی ارتباط بین تعارضات خانوادگی با گرایش به خشونت با نقش میانجی روابط والد-فرزنده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید.



نمودار ۱. آزمون مدل تحقیق (حالت استاندارد)

نمودار ۱ مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد و اثرات مستقیم و غیر مستقیم و شاخص‌های برازش مدل در ادامه ذکر شده‌اند.

جدول ۲. اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش

معنی داری	خطای استاندارد	T	مقدار	ضرایب استاندارد	متغیرها	
P<0.001	0.102	3/24	0.20	گرایش به خشونت	◀	فراوانی تعارض
P<0.001	0.031	4/18	0.27	تعارض بین والدین و نوجوان	◀	فراوانی تعارض
P>0.001	0.239	-1/27	-0.06	صمیمیت بین والدین و نوجوان	◀	فراوانی تعارض
P<0.001	0.073	-2/11	-0.12	وابستگی بین والدین و نوجوان	◀	فراوانی تعارض
P<0.001	0.095	3/66	0.23	گرایش به خشونت	◀	شدت تعارض
P<0.001	0.027	4/45	0.29	تعارض بین والدین و نوجوان	◀	شدت تعارض
P<0.001	0.034	-4/04	-0.26	صمیمیت بین والدین و نوجوان	◀	شدت تعارض
P<0.001	0.022	-4/87	-0.32	وابستگی بین والدین و نوجوان	◀	شدت تعارض
P<0.001	0.057	2/41	0.14	گرایش به خشونت	◀	تعارض بین والدین و نوجوان
P<0.001	0.048	-2/82	-0.17	گرایش به خشونت	◀	صمیمیت بین والدین و نوجوان
P<0.001	0.038	-3/39	-0.21	گرایش به خشونت	◀	وابستگی بین والدین و نوجوان

با توجه به جدول ۲ اثر مستقیم متغیرهای فراوانی تعارض، شدت تعارض و روابط والد-فرزند بر گرایش به خشونت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. جهت بررسی اثر غیرمستقیم فراوانی تعارض، شدت تعارض بر گرایش به خشونت با میانجی گری کیفیت روابط والد-فرزند از آزمون آزمودن سویل و برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق میانجی از آمارهای به نام^۱ VAF استفاده شده است؛ که نتایج آن در جدول ۳ ارائه گردیده است.

جدول ٣. نتائج تحليل اثرات غير مستقيم

نوع آزمون	نرخ نتیجه آماره VAF	ضریب مسیر استاندارد	T-sobel	فرضیه پژوهش
معنی دار	۰/۲۴۶	۰/۰۳۸	۳/۵۵۱	عارض بین والدین و نوجوان
	-	-	۰/۵۰۸	صمیمیت بین والدین و نوجوان
معنی دار	۰/۱۱۲	۰/۰۲۵	۲/۰۴۴	وابستگی بین والدین و نوجوان
	معنی دار	۰/۰۴۱	۰/۱۵۰	عارض بین والدین و نوجوان
معنی دار	۰/۰۴۴	۰/۱۶۱	۳/۶۴۰	صمیمیت بین والدین و نوجوان
معنی دار	۰/۲۲۶	۰/۰۶۷	۶/۲۰۳	شدت تعارض

با توجه به مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب معناداری مشاهده می‌شود میزان آماره تی غیرمستقیم (تی سوبول) بین متغیرهای بالا که خارج از بازه (۰/۹۶-۱/۹۶) است؛ لذا اثر غیرمستقیم تعارضات خانوادگی بر گرایش به خشونت پذیرفته می‌شود؛ بنابراین تعارضات خانوادگی علاوه بر اثر مستقیم، به طور غیرمستقیم و از طریق کیفیت روابط والدین و نوجوان نیز بر گرایش به خشونت تأثیر می‌گذارند. با توجه به میزان بهدست آمده برای آماره VAF مشاهده می‌شود که ۲۴/۶ درصد تأثیر فراوانی تعارض و ۱۵ درصد تأثیر شدت تعارض بر گرایش به خشونت از طریق تعارض بین والدین و نوجوان، ۱۶/۱ درصد تأثیر شدت تعارض بر گرایش به خشونت از طریق صمیمیت بین والدین و نوجوان، ۱۱/۲ درصد تأثیر فراوانی تعارض و ۲۲/۶ درصد تأثیر شدت تعارض بر گرایش به خشونت از طریق وابستگی بین والدین و نوجوان می‌تواند تبیین گردد. در جدول ۴ شاخص‌های پرازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

نام شاخص	شاخص‌های برازش	مدل اصلاح شده	حد مجاز
$\frac{\chi^2}{f}$		۲/۵۵	کمتر از ۵
RMSEA ^۱	(ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	۰/۰۷	کمتر از ۰/۰۸
GFI ^۲	(شاخص نیکویی برازش)	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹
CFI ^۳	(شاخص برازش تطبیقی)	۰/۹۲	بالاتر از ۰/۹
NFI ^۴	(شاخص برازش نرم شده)	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹

شاخص‌های برازش در جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به نمودار ۱ و جدول ۳ تعارض‌های خانوادگی به صورت غیر مستقیم از طریق کیفیت روابط والد-فرزنده توائیست گرایش به خشونت در نوجوانان را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر پیش‌بینی گرایش به خشونت نوجوانان بر اساس تعارضات خانوادگی با میانجی‌گری روابط والد-فرزنده در نوجوانان بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین تعارضات خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش خوانین‌زاده و همکاران (۱۴۰۲)، دلویچیو و همکاران (۲۰۲۳)، وانگ و همکاران (۲۰۲۲)، اوسی و همکاران (۲۰۲۱) و اورسپرگ و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، طبق نظریه یادگیری اجتماعی، فرزندان می‌توانند برخی از رفتارها را از طریق الگوسازی از والدین خود بیاموزند و این رفتارها را در زندگی خود به نمایش بگذارند. می‌توان گفت فرزندان اولین روابطی را که با دیگران برقرار می‌کنند در خانواده خود می‌بینند؛ بنابراین، اگر در روابطی که نوجوان الگوبرداری کرده مشکلاتی در ارتباط وجود داشته باشد و بتواند این رفتارها را از طریق الگوسازی بیاموزد، ممکن است این موضوع را در روابط آینده خود منعکس کند. اگر تعارض تجربه‌شده توسط والدین در فرزندان آن‌ها منعکس شود، فرزند می‌تواند رفتارهای نشان داده شده در تعارض را بیاموزد (هلاندر و همکاران، ۲۰۲۴). درواقع، در فرآیند یادگیری از طریق مدل‌سازی تعریف شده توسط بندورا، فرزندان پرخاشگری و خشونت را از والدین خود به عنوان روشی برای حل تعارض می‌آموزند و ممکن است مهارت‌های اجتماعی لازم برای روابط دوستانه را توسعه ندهند (لیو و وازنونی، ۲۰۲۴). علاوه بر این، فرزندانی که در معرض الگوهای رفتاری مبتنی بر تعارض قرار می‌گیرند که توسط والدین‌شان به نمایش گذاشته می‌شوند، احتمالاً در ایجاد روابط پایدار، رضایت‌بخش و صمیمی در بزرگ‌سالی دچار مشکل شوند. از این منظر، حتی اگر طی چند سال پس از پایان ازدواج، برخی تحولات منفی در فرزند مشاهده شود، اثرات تأخیری تعارض تنها زمانی آشکار می‌شود که کودک به دوره نوجوانی خود برسد؛ بنابراین، حتی اگر آن‌ها به سن نوجوانی برسند، رفتارهای والدین خود را در روابط متضاد خود پس از تعارض تجربه می‌کنند و با احتمال زیاد احساس خشونت را در روابط بین فردی خود تجربه نموده و می‌توانند رفتارهای خشونت‌آمیز و اضطراب زیادی از خود نشان دهند (اوی و همکاران، ۲۰۲۱). درواقع، نوجوانانی که اغلب تعارض والدین را تجربه می‌کنند، ممکن است روش‌های حل مسئله منفی آموخته‌شده‌شان را در موقعیت‌های اجتماعی واقعی به کار ببرند که به راحتی منجر به شکست‌های اجتماعی و حتی طرد اجتماعی می‌شود و درنتیجه احساسات منفی مانند رنجش، عصبانیت و خشونت را به همراه داشته باشند.

دومین یافته پژوهش نشان داد که کیفیت روابط والد-فرزنده با گرایش به خشونت نوجوانان ارتباط منفی و معنادار دارد. این یافته با نتایج پژوهش فرج‌بخش و همکاران (۱۴۰۰)، وانگ و همکاران (۲۰۲۲)، لخدیر و همکاران (۲۰۲۰)، ایندومتی و آشوینی (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، با توجه به اینکه نوجوانان بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی شامل افراد بین ۱۰ تا ۱۹ سال هستند و به علت سردرگمی هوتیت، در این مرحله حمایت والدین، از عوامل کلیدی است که می‌تواند به نوجوان کمک کند تا این مرحله

¹ Root Mean Square Error Approximation² Goodness of Fit Index³ Comparative Fit Index⁴ Normed Fit Index

عبور کند. نوجوانانی که احساس می‌کنند مادر یا پدرشان محبت، مراقبت و توجه بیشتری نسبت به آن‌ها نشان می‌دهند، با احتمال کمتری مرتکب خشونت می‌شوند. فقدان محبت و ارتباط والدین و سطح پایین حمایت و دلیستگی والدین، باعث ناراحتی روانی اجتماعی می‌شود که پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز را به همراه دارد. نوجوانانی که پیوند ناکارآمد با والدین خود دارند، نمرات بالایی در خشونت و سایر مشکلات سلامت روان کسب می‌کنند (کوماری و کومار، ۲۰۱۸). وجود تغییرات مثبت در تعاملات موجود بین والدین و فرزندان با توجه به اینکه واکنش‌های متقابل و صمیمیت والدین اساس رشد شناختی-عاطفی فرزند را تشکیل می‌دهد، می‌تواند خطر ابتلای فرزندان به اختلال‌های روانی را کاهش دهد. جو خانوادگی خشن، خشک و متعصبانه زمینه ظهور اختلالات رفتاری و از آن جمله خشونت و نافرمانی را ممکن می‌سازد و بدیهی است که تغییر این فضا و سبک تعاملی والد-فرزند و بهبود بافت خانواده می‌تواند سبب کاهش رفتار خشونت در کودک شود (بهمنی و جهان‌بخشی، ۱۳۹۹). درواقع، می‌توان بیان کرد که رابطه والد-فرزند به عنوان یک مؤلفه حفاظتی برای بذرftاری‌های نوجوانان است. نوجوانانی که به علت تخریب تعامل والد-فرزند، در معرض آزار و اذیت روانی و عاطفی قرار دارند، با مشکلات عاطفی و رفتاری بیشتری روبرو خواهند شد. اگر والدین نسبت به فرزندان خویش حساس نباشند و از آن‌ها حمایت نکنند، موجب حس نامنی در آن‌ها شده که با مشکلاتی در ارتباط مؤثر با سایرین همراه است. درواقع، طرد فرزند از سمت والدین، بر ادراک او از سایرین و خود اثر نهاده و مانع ایجاد روابط مطلوب با دیگران می‌شود (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، زمانی که والدین از روش‌های منفی در ارتباط با فرزند خویش به منظور حل تعارضات استفاده می‌کنند، این باور را در فرزند خود ایجاد می‌کنند که همسالان نیز باید به خواسته‌های آن‌ها عمل کنند و در غیر این صورت، با تهديد به تقاضاهای خود جامه عمل بپوشانند و یا در برخورد با همسالان در برآورده نمودن نیازهای خود به علت تکرار استفاده از راهبردهای ناکارآمد، از سمت آن‌ها طرد می‌شوند. این عدم پذیرش از سمت همسالان موجب سرخوردگی، خشونت و استفاده از رفتار پرخاشگرانه بیشتر می‌گردد.

سومین یافته پژوهش نشان داد که روابط والد-فرزند در نوجوانان نقش میانجی ارتباط بین گرایش به خشونت نوجوانان و تعارضات خانوادگی دارد. این یافته با نتایج پژوهش دلويچيو و همکاران (۲۰۲۳)، وانگ و همکاران (۲۰۲۲)، وانگ و همکاران (۲۰۲۰)، لخدیر و همکاران (۲۰۲۰)، فرح‌بخش و همکاران (۱۴۰۰) و ایندومتی و آشوینی (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، والدینی که دارای تعارض بیشتر و سازگاری کمتری هستند، عصباتیت، پریشانی و بی‌قراری زیادی را ابراز می‌کنند و صمیمیت کمتری را با فرزندان خویش خواهند داشت. در مقابل، والدینی که سازگاری بیشتری و تعارض کمتری را ابراز می‌کنند، فرزند پروری ساختاری‌بافت‌تر و گرم‌تری دارند که با تعاملات مثبت بیشتری همراه است و محیطی را برای پرورش و تربیت فرزندان خویش فراهم می‌کنند که با ثبات‌تر است (دلويچيو و همکاران، ۲۰۲۳). تعارض زناشویی میان زوجین از علائم خانواده ناسالم است که رابطه زیادی با فرزندان دارد و این رابطه در سلامت روانی و فردی زوجین و فرزندان مؤثر است. زمانی که والدین در روابط زناشویی خویش احساس رضایت نداشته باشند، ارتباط مناسبی با همسر خویش نخواهد داشت و از لحاظ روان‌شناختی احساس توامندی و ارزشمندی ندارند که این امر می‌تواند موجب ارتباط نامناسب با فرزندان شود (لهراسبی و همکاران، ۱۴۰۱). درواقع، رابطه والد-فرزند شامل کنش و واکنشی است که در قالب هیجانات و رفتارها و انتظارات خاص بین فرزندان و والدین ایجاد می‌شود. خانواده‌ای که بتواند رابطه مثبت و مطلوبی با فرزندان خویش برقرار کند، نظرارت مطلوب‌تری بر رفتارهای آن‌ها خواهد داشت. نوجوانی که با والدین خویش تعامل منفی و تعارض دارند، خشونت والدین خویش را می‌بیند و نتیجه‌بخش بودن آن را نظاره می‌کنند، بر طبق فرضیه‌های خویش، می‌آموزد که رفتار خشونت‌آمیز شیوه‌ای مناسب برای روابویی با سایرین است، لذا، احتمال بروز رفتار خشونت‌آمیز در این نوجوانان افزایش می‌یابد. در مقابل، هرچه صمیمیت و تعامل بین والدین و فرزندان بیشتر شود، چارچوب‌های انضباطی و محدودیت‌هایی انجام می‌شود و انتظارات سازنده و مثبتی به فرزندان آموخته می‌شود که احتمال رخ دادن رفتارهای خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد. تعامل مطلوب بین والدین و فرزندان موجب می‌شود که آن‌ها نسبت به نیازهای فرزند خویش شناخت بهتری پیدا کنند و در اصلاح‌الگوهای رفتاری نادرست فرزندان مشارکت نموده و پایه محکمی برای تحول مهارت‌های رفتاری و هیجانی فراهم کنند.

بهطور کلی، یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که بین تعارضات خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان ارتباط مثبت و بین کیفیت روابط والد-فرزند و گرایش به خشونت رابطه منفی و معنادار وجود دارد و کیفیت روابط والد-فرزند نقش میانجی بین تعارضات خانوادگی و گرایش به خشونت نوجوانان داشت. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به‌تبع از نظر تعیین روابط علت و معلوی محدودیت دارند و همچنین از آنجا که این پژوهش در دانش‌آموزان شهر اردبیل انجام شده است، در تعیین نتایج به سایر گروه‌ها باید احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی در مناطق جغرافیایی دیگر این پژوهش تکرار گردد تا تعیین آن به سایر

جوابع آماری آسان تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند گرایش به خشونت در نوجوانان را بیشتر مشخص کنند، توجه شود.

منابع

- اسدی یونسی، م.، مظاہری، م. ع.، شهیدی، ش.، طهماسبیان، ک؛ و فیاضخشن، م. بر. (۱۳۹۰). تدوین و اعتبار یابی پرسشنامه سنجش تعارض والد نوجوان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*, ۱۲(۸)، ۴۷-۷۰.
<https://www.sid.ir/paper/514867/fa>
- بهروزی، ن؛ فرزادی، ف و فرامرزی، ح. (۱۳۹۵). رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای با میانجیگری رابطه والد - فرزند و همدمی. *فصلنامه سلامت روانی کودک*, ۳(۳)، ۴۳-۵۸.
<http://childmentalhealth.ir/article-1-139-fa.html>
- بهمنی، م و جهانبخش، ز. (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه مداخله‌ای بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک بر بهبود کیفیت تعامل والد-کودک و کاهش پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*, ۴۴، ۱۳۱-۱۵۶.
<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.51244.2358>
- بروایی، ش؛ مام شریفی، پ؛ و شهامت ده سرخ، ف. (۱۴۰۲). مدل خود خاموشی و گرایش به طلاق با نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در زنان متأهل. *رویش روان‌شناسی*, ۱۲(۹)، ۱۶۹-۱۷۸.
- خدابی، ع، زارع، ح، علیپور، اح، و شکری، ا. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه بازآموزی استنادی مبتنی بر مدل پردازش اطلاعات اجتماعی کرک و داج بر سبک حل تعارض، خوشبینی و کاهش تعارضات والد نوجوان در مادران. *دو فصلنامه روان‌شناسی خانواده*, ۲(۲)، ۳۸-۲۷.
https://www.ijfpjournal.ir/article_245483.html
- رضایورمیرصالح، ی؛ اخوت، م و امینی، ر. (۱۴۰۱). رابطه ادراک نوجوان از تعارض والدین با بهزیستی روان‌شناختی و نالمیدی در دانش آموزان دختر نوجوان: برسی نقش میانجی شیوه‌های مقابله. *رویش روان‌شناسی*, ۱۱(۲)، ۱۳۲-۱۴۷.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.2.9.8>
- زابلی، پ؛ ثنایی ذاکر، ب؛ و حمیدی، م. (۱۳۸۴). سنجش سودمندی روش روان نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*, ۱۳، ۹۸-۸۱.
<https://www.sid.ir/paper/70153/fa>
- ساداتیان، م، شکری، ا و پورشهریار، ح. (۱۳۹۸). رابطه تعارض والد-نوجوان و سازگاری تحصیلی در نوجوانان: نقش واسطه‌ای راهبردهای حل تعارض. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*, ۱۶(۶)، ۳۸۷-۴۰۰.
https://jip.stb.iau.ir/article_676233.html
- شغیعی کندجانی، ع؛ شفیعی، ص؛ وطنخواه، س و فرورشی، م. (۱۳۹۹). وضعیت اجتماعی اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روان والدین کودکان مبتلا به طیف اوتیسم. *فصلنامه خانواده و پژوهش*, ۱۷(۳)، ۸۹-۱۰۴.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1399.17.3.5.1>
- فرح‌بخش، ک؛ شریعتمدار، آ؛ سلیمی، ح و تحقیقی، ن. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش برنامه تعامل مثبت والد-کودک به والدین کودک دارای اختلال نارسایی توجه- بیش فعالی بر کاهش پرخاشگری. *روان‌شناسی افراد استثنایی*, ۴۳(۱۱)، ۸۶-۶۳.
<https://doi.org/10.22054/jpe.2021.56217.2235>
- لهراسبی، ش؛ سجادیان، ا و گلپرور، م. (۱۴۰۱). روابط ساختاری بین سلامت عمومی، تابآوری، هوش هیجانی، تعارض زناشویی، فرسودگی والدگری، دلیستگی و تعامل والد کودک با توانمندسازی روان‌شناختی مادران دارای کودک ۴ تا ۶ سال. *سلامت اجتماعی*, ۱۰(۱)، ۵۱-۳۷.
<https://doi.org/10.22037/ch.v10i1.31664>
- محمدمعینی، ز؛ صادقی، ج؛ درtag، ف و همایونی، ع. (۱۳۹۹). مدلیابی روابط ساختاری تعاملات والدین و دانش‌آموزان با پرخاشگری: نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی. *فصلنامه سلامت روان کودک*, ۲(۷)، ۵۴-۴۲.
<http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.7.2.5>
- Astuti, A. P., & Rps, A. Nu. (2018). Teknologi Komunikasi Dan Perilaku Remaja. *Jurnal Analisa Sosiologi*, 3(1).
<https://doi.org/10.20961/jas.v3i1.17452>
- Avcı, R., Adiguzel, A., Zeybek, S. U., & Çolakkadioğlu, O. (2021). The role of post-divorce parental conflict in predicting aggression, anger, and symptoms of anxiety and depression among university students. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(3), 199-215. <https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1871830>
- Casey, B. J. (2018). The Adolescent Brain Cognitive Development (ABCD) study: Imaging acquisition across 21 sites. In *Developmental Cognitive Neuroscience*, 32, 43-54. <https://doi.org/10.1016/j.dcn.2018.03.001>
- Centers for Disease Control and Prevention. (2020). Violence prevention: Fast facts Available at: <https://www.cdc.gov/violenceprevention/youthviolence/fastfact.html>, Accessed 3rd Jun 2021
- Darbani, S. A., & Parsakia , K. (2022). The effectiveness of strength-based counseling on the reduction of divorced women's depression. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling (JARAC)*, 4(1), 64-76. <https://journals.kmanpub.com/index.php/jarac/article/view/107>

Predicting adolescents' tendency to violence based on family conflicts with the mediating role of quality of parent-child ...

- Del Vecchio, T., Lorber, M. F., Peets, K., Edelman, B., & Slep, A. M. (2023). Aggression in toddlers: Associations with temper loss and parent-child conflict. *Social Development*, 32(4), 1394-1408. <https://doi.org/10.1111/sode.12698>
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19(5), 703-713. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.19.5.703>
- Gaias L. M., Lindstrom Johnson S., White R. M., Pettigrew J., Dumka L. (2019). Positive school climate as a moderator of violence exposure for Colombian adolescents. *American Journal of Community Psychology*, 63(1-2), 17-31. <https://doi.org/10.1002/ajcp.12300>
- Helander, M., Asperholm, M., Wetterborg, D., Öst, L. G., Hellner, C., Herlitz, A., & Enebrink, P. (2024). The Efficacy of Parent Management Training With or Without Involving the Child in the Treatment Among Children with Clinical Levels of Disruptive Behavior: A Meta-analysis. *Child psychiatry and human development*, 55(1), 164-181. <https://doi.org/10.1007/s10578-022-01367-y>
- Indumathy, J., Ashwini, K. (2017). Parental bonding and psychological well-being among young adults. *The International Journal of Indian Psychology*, 4(2), 77-85. <https://doi.org/10.25215/0402.109>
- Kumari, V., Kumar, P. (2018). Determinants of aggression among adolescents. *International Journal of Current Microbiology and Applied Sciences*, 7, 5010-5020. <http://www.ijcmas.com>
- Lakhdir, M. P. A., Rozi, S., Peerwani, G., & Nathwan, A. A. (2020). Effect of parent-child relationship on physical aggression among adolescents: Global school-based student health survey. *Health psychology open*, 7(2), 2055102920954715. <https://doi.org/10.1177/2055102920954715>
- Li, C., Jiang, S., Fan, X., & Zhang, Q. (2020). Exploring the impact of marital relationship on the mental health of children: Does parent-child relationship matter?. *Journal of health psychology*, 25(10-11), 1669-1680. <https://doi.org/10.1177/1359105318769348>
- Lim, Y. (2020). Self-esteem as a mediator in the longitudinal relationship between dysfunctional parenting and peer attachment in early adolescence. *Children and Youth Services Review*, 116, Article 105224. <https://doi.org/10.1016/j.chlyouth.2020.105224>
- Liu, D., & Vazsonyi, A. T. (2024). Longitudinal Links Between Parental Emotional Distress and Adolescent Delinquency: The Role of Marital Conflict and Parent-Child Conflict. *Journal of youth and adolescence*, 53(1), 200-216. <https://doi.org/10.1007/s10964-023-01921-4>
- Okafor C., Jahanfar S., Inungu J., Minelli M. (2020). The relationship between bullying, sexual violence and substance use among adolescents in the United States: Cross-sectional study. *European Journal of Environment and Public Health*, 4(2), Em0049. <https://doi.org/10.29333/ejeph/8329>
- Park, S., Chiu, W., & Won, D. (2017). Effects of physical education, extracurricular sports activities, and leisure satisfaction on adolescent aggressive behavior: A latent growth modeling approach. *PLoS one*, 12(4), e0174674. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0174674>
- Sherrill, R. B., Lochman, J. E., DeCoster, J., & Stromeyer, S. L. (2017). Spillover between interparental conflict and parent-child conflict within and across days. *Journal of Family Psychology*, 31(7), 900-909. <https://doi.org/10.1037/fam0000332>
- Wang, W. (2018). Parent-adolescent relationship and adolescent internet addiction: A moderated mediation model. *Addictive Behaviors*, 84, 171-177. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2018.04.015>
- Wang, Z., Li, C., & Ai, K. (2022). Family economic strain and adolescent aggression during the COVID-19 pandemic: Roles of interparental conflict and parent-child conflict. *Applied research in quality of life*, 17(4), 2369-2385. <https://doi.org/10.1007/s11482-022-10042-2>
- World Health Organization. (2020). Youth violence Available at: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/youth-violence> (2020), Accessed 3rd Jun 2021
- Yoon, D., Snyder, S. M., Yoon, S., & Coxe, K. A. (2020). Longitudinal association between deviant peer affiliation and externalizing behavior problems by types of child maltreatment. *Child abuse & neglect*, 109, 104759. <https://doi.org/10.1016/j.chab.2020.104759>